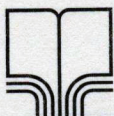


# طریقِ بِسْمِلِ شَدَن

طریقِ بِسْمِلِ شَدَن

محمود دولت آبادی



نشر چشمه

طریقِ بِسْمِلِ شَدَن

www.chashma.ir

021-88660000

021-88660001

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



از جایی، نقطه‌ای بر این کره‌ی خاکی گلوله‌ای از دهانه‌ی لوله‌ی یک سلاح شلیک می‌شود: نه! از جایی، نقطه‌ای در این کره‌ی زمین گلوله‌ای سربی، سنگین و مخرب از دهانه‌ی فراخ لوله‌ی بلند یک سلاح سنگین شلیک می‌شود. دقیق‌تر از این نمی‌شود گفت، مگر این‌که بدانیم درون آن حجم نسبتاً مخروطی چه میزان مواد انفجاری طراحی و جاگذاری شده است. این را ما نمی‌دانیم، شاید مغزی که فرمان فشردن دکمه‌ای را می‌دهد هم نداند. چرا باید تصور کنم انگشتی فقط یک دکمه را فشار می‌دهد؟ ای بسا یک اهرم را پایین یا بالا می‌کشاند؟ چه می‌دانم؟ چه فرقی می‌کند، و چه تشخیص می‌توان قایل شد برای اجزائی از یک ماشین کُشتن که تک‌به‌تک آن، یک مجموعه، یک ترکیب را به وجود آورده باشند؟ پس گلوله‌ای شلیک شد تا بعد از طی سفری — که در خیال من طولانی می‌گذرد — در جایی از همین زمین فرود بیاید، منفجر بشود، ویران کند و جایی را به آتش بکشد و ابری از دود در هوا بدماند.

بی‌گمان هر گلوله در شلیک شدن هدف دارد. اگر شد هدف خاصّ و اگر نشد هدف عام. اما در آن پاره از خاک، جایی که داستان ما باید رُخ بدهد، هدف هر دو ویژگی را دارد؛ هم عام و هم خاصّ. عام از آن جهت که محدوده‌ای از یک جبهه‌ی جنگ است و خاصّ از جهت آن‌که تصور می‌شود کانون مقاومتی